

بررسی تحلیلی نقش و جایگاه آیت‌الله ناصری رحمته الله علیه در تربیت اعتقادی جامعه

سید محمدرضا علاء‌الدین*

چکیده

مسئله‌ای که در این پژوهش مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است، کشف جایگاه و نقش آیت‌الله ناصری به عنوان «مربی الگو» در تربیت اعتقادی جامعه است. معرفی آیت‌الله ناصری به عنوان مربی الگو و نقش او در فرآیند تربیت اعتقادی متریان، بسیار کارساز است. بررسی‌ها حکایت از آن دارد که آیت‌الله ناصری همچون سلف صالح حوزه به تبعیت از رسول‌الله به عنوان یک مربی الگو، به تربیت اعتقادی جامعه پرداخته است. روش تحقیق با بررسی سیره قرآنی و سبک زندگی آیت‌الله ناصری و با توجه به «نگرش اعتقادی»، «رفتار اعتقادی» و «مربیگری الگو» و با کمک منابع موجود آغاز و با دسته‌بندی گزاره‌های یافت‌شده و تحلیل تربیتی آن‌ها ارائه شده است. نوآوری پژوهش حاضر این است که علاوه بر ارائه سیر تربیت اعتقادی آیت‌الله ناصری، به نقش مربیگری الگویی او در تحقق عملی تربیت اعتقادی جامعه پرداخته شده است. این پژوهش به نقش و جایگاه آیت‌الله ناصری به عنوان «مربی الگو» با رویکرد به نگرش و بینش مؤمنانه، رفتار مؤمنانه، منطق، حکمت و موعظه حسنه قرآنی او در تربیت اعتقادی جامعه پرداخته است. دستاورد این پژوهش، ارائه سیره تربیتی آیت‌الله ناصری در تعلیم و تربیت آموزه‌های اعتقادی با هدف ایجاد تغییر و تحول اعتقادی در جامعه و ارائه تأثیرات این مربیگری بر خودسازی، دیگرسازی، خانواده‌سازی، جامعه‌سازی و تمدن‌سازی در جامعه می‌باشد.

کلیدواژه: آیت‌الله ناصری رحمته الله علیه، تربیت اعتقادی، مربی الگو.

* استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان، kosar1380@Chmail.ir



شرح و بیان مسأله پژوهشی

مسأله‌ای که در این پژوهش مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است، کشف جایگاه و نقش آیت‌الله ناصری به عنوان «مربی الگو» در تربیت اعتقادی جامعه است. بررسی‌ها حکایت از آن دارد که آیت‌الله ناصری رحمته‌الله‌علیه همچون سلف صالح حوزه به تبعیت از رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به عنوان یک مربی الگو به تربیت اعتقادی جامعه پرداخته است. معرفی آیت‌الله ناصری به عنوان مربی الگو و نقش او در فرآیند تربیت اعتقادی متریان بسیار کارساز است. همان‌طور که هر مربی بر اساس باورهای اعتقادی برخاسته از کتاب مقدس خود، پیش‌فرض‌ها، اصول و اهدافی برای زندگی خویش برمی‌گزیند، آیت‌الله ناصری رحمته‌الله‌علیه نیز بر اساس قرآن و عترت، مبانی اعتقادی داشت که پیش‌فرض حرکت او در تربیت اعتقادی بود و به صورت اصول حاکم در رفتار، گفتار و مسیر عملی او تجلی می‌یافت.

بررسی‌ها حاکی از آن است که آیت‌الله ناصری رحمته‌الله‌علیه به مصداق آیه «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي»، به تبعیت از رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به عنوان یک مربی الگو به تربیت اعتقادی جامعه پرداخته است. این پژوهش به نقش و جایگاه آیت‌الله ناصری به عنوان «مربی الگو» با رویکرد به نگرش و بینش مؤمنانه، رفتار مؤمنانه، منطق، حکمت و موعظه حسنه قرآنی او در تربیت اعتقادی جامعه پرداخته است و دست‌آورد آن، ارائه تأثیرات این مربیگری بر خودسازی، دیگرسازی، خانواده‌سازی، جامعه‌سازی و تمدن‌سازی می‌باشد.

روش تحقیق با بررسی سیره قرآنی و سبک زندگی آیت‌الله ناصری رحمته‌الله‌علیه و با توجه به «نگرش اعتقادی»، «رفتار اعتقادی» و «مربیگری الگو» و با کمک منابع موجود آغاز، و با دسته‌بندی گزاره‌های یافت شده و تحلیل تربیتی آن‌ها، ارائه شده است. نوآوری پژوهش حاضر این است که علاوه بر ارائه سیر تربیت اعتقادی آیت‌الله ناصری رحمته‌الله‌علیه به نقش مربیگری الگویی او در تحقق عملی تربیت اعتقادی جامعه پرداخته است.

این مسأله پژوهش، تقدّم شأنی و زمانی بر سایر موضوعات دارد به سبب اینکه به کشف جایگاه و نقش آیت‌الله ناصری رحمته‌الله‌علیه به عنوان «مربی الگو» در تربیت اعتقادی جامعه پرداخته است و چون تربیت اعتقادی بر سایر تربیت‌ها تقدّم شأنی و زمانی دارد؛ از این رو پرداختن به آن در سیره تعلیم و تربیت یک عالم نیز بر سایر موضوعات تقدم دارد.

محدوده موضوع تحقیق

این پژوهش، کشف جایگاه و نقش آیت الله ناصرؑ به عنوان «مربی الگو» در تربیت اعتقادی جامعه را رصد می‌کند؛ از این رو به موضوعات مرتبط در محدوده پژوهش توجه شده است؛ موضوعاتی همچون سیره تربیتی آیت الله ناصرؑ، احراز قابلیت برای مربی تربیت اعتقادی و الگوی مربیگری تربیت اعتقادی، تربیت اعتقادی و پرورش انسان موحد، برنامه‌ها، شیوه‌ها و روش‌هایی برای تربیت اعتقادی به صورت عملی، از زمره برآوردهای این تحقیق می‌باشد.

پیشینه و تاریخچه موضوع تحقیق

پژوهش حاضر از نوع مطالعات بین رشته‌ای سیره‌شناسی عالمان دین، روش‌شناسی تربیتی، تربیت اعتقادی است و ارتباط بین علوم در مسأله «کشف جایگاه و نقش آیت الله ناصرؑ به عنوان مربی الگو در تربیت اعتقادی جامعه» مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. مطالعات انجام شده در حوزه شناختی عالمان دین، سیره‌شناسی آن‌ها، روش‌شناسی آن‌ها در حوزه تعلیم و تربیت دینی، متعدد و فراوان است و تاکنون کتب، مقالات و پایان‌نامه‌های فراوانی در رابطه با این‌گونه مباحث به نگارش در آمده است؛ ولی کمتر به بررسی تحلیلی نقش و جایگاه علما در تربیت اعتقادی جامعه پرداخته شده است؛ از این رو منابع آن چنانی در این موضوع در دسترس نمی‌باشد. در خصوص آیت الله محمد علی ناصرؑ، اگر چه در میان اهل علم و عموم مؤمنین، چهره شناخته‌شده‌ای بوده است، تاکنون کتب و مقالات قابل طرحی در زمان حیات و بعد از ارتحال ایشان تدوین نشده است و تاکنون ویژگی‌های شخصیتی این مربی الگو از منظر نگرش و بینش مؤمنانه، رفتار مؤمنانه، منطق، حکمت و موعظه حسنه قرآنی او در تربیت اعتقادی جامعه مورد توجه قرار نگرفته است. گزارش‌های خبری زندگینامه و مصاحبه‌ها، مجموعه سخنرانی‌ها، درسنامه‌ها و مکتوبات ایشان، زمینه مناسبی برای کنکاش علمی پیرامون ابعاد شخصیتی این مربی الگو می‌باشد.

اهمیت و ارزش تحقیق

مسأله «کشف جایگاه و نقش آیت الله ناصرؑ به عنوان مربی الگو در تربیت اعتقادی جامعه» موضوعی نوین، بدیع، کارآمد و آینده‌نگر است که از ماحصل سیره‌شناسی تعلیمی و تربیتی آیت الله ناصرؑ، برنامه‌ها، شیوه‌ها و روش‌های عالمانه آیت الله ناصرؑ در تربیت اعتقادی به



صورت عملی، کشف چگونگی احراز قابلیت برای مربی تربیت اعتقادی و الگوی مربیگری تربیت اعتقادی و تربیت اعتقادی و پرورش انسان‌های موحد ارزشمندی این تحقیق را فوق العاده کرده است.

اهمیت این تحقیق وقتی چشمگیرتر می‌شود که بدانیم بدون تربیت اعتقادی، سایر تربیت‌ها در مراحل و مراتب تربیتی ناکام و نافرجام خواهند بود. اهمیت این تحقیق بدان جهت است که جایگاه و نقش آیت‌الله ناصر علیه السلام به عنوان «مربی الگو» در تربیت اعتقادی جامعه، مشخص و نقش‌الگویی او در این مسأله معلوم و بارز شود.

اهداف تحقیق

الف. استنباط و کشف جایگاه و نقش آیت‌الله ناصر علیه السلام به عنوان «مربی الگو» در تربیت اعتقادی جامعه؛

ب. بیان شاخصه‌ها و مؤلفه‌های تربیت اعتقادی آیت‌الله ناصر علیه السلام به عنوان «مربی الگو» و کیفیت فراگیری و شیوه‌های بیان آن؛

ج. روشن‌سازی نقش و جایگاه آیت‌الله ناصر علیه السلام به عنوان «مربی الگو» در تربیت اعتقادی جامعه در نظام تربیتی حوزه.

سؤال‌های تحقیق

اول. سیر تربیتی آیت‌الله ناصر علیه السلام برای احراز قابلیت برای مربی تربیت اعتقادی چگونه بوده است؟
دوم. جایگاه و نقش آیت‌الله ناصر علیه السلام به عنوان «مربی الگو» در تربیت اعتقادی جامعه چگونه بوده است؟

سوم. برنامه‌ها، شیوه‌ها و روش‌های عالمانه آیت‌الله ناصر علیه السلام در تربیت اعتقادی جامعه به صورت عملی چه بوده است؟

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، مطالعه و یا پاسخگویی به سؤالات توصیفی، تحلیلی، اسنادی و تحلیل محتوا است. در این پژوهش، از روش تحقیقی، توصیفی و روش اسنادی، کتابخانه‌ای برای گردآوری مطالب استفاده شده است. مستندسازی متون و منابع تفسیری و کلامی، اعم

از کتاب، مقالات علمی و راهنمایی اساتید و بهره‌گیری از ابزار گردآوری داده‌ها (مطالعات موضوعی، مصاحبه، فیش برداری، اخذ راهنمایی اساتید و با فیش برداری از منابع دست اول و همخوان با موضوع)، تحقق یافته است.

با این روش سیره قرآنی و سبک زندگی آیت‌الله ناصر علیه السلام با توجه به «نگرش اعتقادی»، «رفتار اعتقادی» و «مربیگری الگو» و با کمک منابع موجود احصاء و با دسته‌بندی گزاره‌های یافت شده و تحلیل تربیتی آن‌ها، ارائه شده است.

مفاهیم محوری

در مفاهیم محوری پژوهش به «مربی الگو»، «تربیت اعتقادی» و «آیت‌الله ناصر»، پرداخته شده است تا زمینه بررسی تحلیلی نقش و جایگاه آیت‌الله ناصر به عنوان «مربی الگو» در تربیت اعتقادی فراهم آید.

الف. مربی الگو

خداوند اولین مربی جهانیان است، «الحمد لله رب العالمین» و تربیت و هدایت کلیه موجودات جهان هستی، به‌ویژه آدمی را در دو طریق هدایت تکوینی و هدایت تشریحی بر عهده دارد. این مفهوم در آیات بسیاری واقع شده است؛ از جمله: «قُلْ أَعْبُدُوا اللَّهَ ابغی ربّاً وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ» (انعام: ۱۶۴)؛ بگو آیا غیر از خدا پروردگاری بجویم، حال آنکه او مربی و پروردگار همه چیز است.

اسلام عزیز دین تعلیم و تربیت است. در اولین آیتی که بر نبی اکرم صلی الله علیه و آله نازل شده، امر به خواندن شده است. آن هم به اسم «رب» و پروردگار انسان: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» (سوره علق: ۱) این نقطه آرمانی و آغازین نظام تربیتی اسلام است که انتهای آن، عبودیت خداوند است، نظام و مکتبی که معلمش خدا، کتابش وحی و شاگردش رسول خدا صلی الله علیه و آله است. معلّم اول خدا است: «عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» و معلم دوم، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است: «أَنِّي بُعِثْتُ مُعَلِّمًا». سازندگی اجتماعی و فردی، در پرتو تعلیمات مکتب تربیتی اسلام است. اگر انسان ساخته شد و بر نفس خود، معرفت یافت و آن را تزکیه کرد، در آن صورت خواهد توانست اختلافات و انحرافات خود را کاهش دهد، و با تألیف قلوب و وحدت نظر، اجتماع سالمی را بنا نهد، این از اهداف مهم انبیاء عظام است. تربیت انسان است که از ارزش ویژه‌ای برخوردار می‌باشد.



انسان با داشتن فطرت الهی و خداجویی ذاتی و برخورداری از کشش‌های متضاد که او را از اعلیٰ علیین تا اسفل السافلین سیر می‌دهد و می‌تواند از بی‌نهایت تا بی‌نهایت تغییر و تحوّل روحی و استکمالی بیابد، و موضوع تربیت الهی قرار می‌گیرد.

چنانچه انسان در دو بعد، تربیت شود و نفسانیت او مهار شود، عشق به کمال مطلق و حب به لقاء الله در او به ظهور کامل رسیده و مراتبی را طی می‌کند که شایسته سجده ملائک و خلیفه الله شدن واقع می‌شود. این مهم در پرتو قرآن و عترت و عالمان متمسک به این دو ثقل محقق شده است. عالمانی که به تبعیت از رسول الله ﷺ و عترت طاهرین، به نقش مربیگری خود اقدام کرده به تربیت اعتقادی جامعه پرداخته‌اند.

هر مربی الگو می‌تواند دو جنبه فردی و عمومی داشته باشد. جنبه فردیت هر مربی، خصوصیتی است که بر اساس تربیت وراثتی و خانوادگی و توانایی‌های خاص او شکل می‌گیرد و قابلیت‌هایی را برای مربیگری او پدیدار می‌سازد. اما جنبه عمومی مربی الگو، عبارت است از باورها و اصولی که تحت تأثیر آموزه‌های اعتقادی دین در زندگی کسب می‌کند؛ به طوری که می‌توان عناصر این جنبه عمومی را به صورت نگرش و بینش مؤمنانه، رفتار مؤمنانه، منطق، حکمت و موعظه حسنه، شیوه‌ها و روش‌های تربیتی به دیگران عرضه کرد، تا به صورت قضایای کلی به کار گرفته شود و افراد دیگر یا یک نسل را به همان صورت تربیت کرد.

در این مقاله به ابعاد فردی و عمومی آیت الله ناصری رحمته الله علیه به عنوان یک «مربی الگو» از منظر نگرش و بینش مؤمنانه، رفتار مؤمنانه، منطق، حکمت و موعظه حسنه قرآنی و قابلیت‌های مربیگری او در تربیت اعتقادی جامعه پرداخته شده است. تا این‌گونه، ویژگی‌های شخصیتی این مربی الگو، بر اساس آموزه‌های قرآنی بازخوانی شده، الگوی قرآنی مربیگری او ارائه شود.

الگوپذیری یک امر ذاتی و فطری است و بر اساس کمال‌طلبی انسان صورت می‌گیرد. ساختار وجودی انسان به گونه‌ای است که همواره تحت تأثیر عوامل بیرونی قرار می‌گیرد و به نوعی از آن‌ها متأثر می‌شود. این اثرپذیری، به اصل سرشت و شالوده وجودی انسان بر می‌گردد. الگوپذیری انسان از خانواده، آغاز و در اجتماع ادامه می‌یابد. افراد در اجتماع، تحت تأثیر الگوهای سیاسی و اجتماعی قرار می‌گیرند.

الگوپذیری در تمام ابعاد زندگی انسان نمود می‌یابد. نقش الگوها در تربیت، به خصوص تربیت اعتقادی بسیار اساسی و مهم است. یک الگوی جامع و کامل می‌تواند فکر و اندیشه



الگوپذیر را متحول کند و به نگرش‌ها، گرایش‌ها و رفتارهای او جهت دهد. الگو یک امر حسی و نمونه عینی است که الگوپذیر می‌تواند آن را ببیند، سخنش را بشنود، رفتارش را مشاهده و همانندسازی کند.

امروزه اهمال کاری در معرفی مربی الگو، خسارات جبران‌ناپذیری در آینده جامعه به همراه خواهد داشت. قرآن در نظام پایدار تعلیم و تربیت خود برای همه دوره‌های زندگی انسان، به معرفی الگو پرداخته، بر معرفی و شخصیت‌پردازی «مربی الگو» تأکید فراوان دارد.

قرآن از ابتدای بعثت، با ذکر خصوصیات رسول الله ﷺ موجبات شناخت متریبان از مربی الگو را فراهم آورده است و بر تعمیق بخشی این شناخت تأکید کرده است تا به ایجاد محبت قلبی به رسول الله ﷺ منجر شود. این محبت، باعث تبعیت از رسول الله ﷺ و در نتیجه کسب محبت و رضایت خداوند می‌شود که هدف غایی تربیت اعتقادی است. بیان خصوصیات رسول الله ﷺ به الگوپذیری از ایشان کمک می‌کند. بر اساس مبنای «تأثیر ظاهر بر باطن» که اصل مربی الگو از آن استفاده می‌شود، هرچقدر مربی رفتار خویش را شبیه الگوی خود کند، در باطن نیز به او نزدیک می‌شود و تقرب به رسول الله ﷺ نیز قرار گرفتن در مسیر تربیت الهی است. قرآن با ذکر خصوصیات رسول الله ﷺ و نگرانی‌های آن حضرت از موانع تربیت‌پذیری متریبان، موجب ایجاد شناخت و ایمان آوردن متریبان به رسول الله ﷺ و الگوپذیری از آن حضرت می‌شود.

قرآن، مربیگری رسول الله ﷺ را در سیر نزول اینگونه بیان می‌دارد: رسول الله ﷺ با بعثت و نزول قرآن همچون سراج منیر (چراغ روشنایی دهنده)، داعی الی الله (دعوت کننده به سوی خدا) شد و در پرتو قرآن، به تغییر و تحول فکری و رفتاری مردم از کفر و شرک به توحید و اسلام ناب پرداخت.

خداوند به آن حضرت دستور داد تا آیات الهی را بر مردم تلاوت کند: ﴿اقْرَأْ بِأَسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾ (علق: ۱). دعوت متریبان به حفظ خود از خطر جهل و گمراهی، آغاز نهضت تعلیم و تربیت و آموختن با خواندن و به وسیله قلم، و خدا به انسان آنچه را نمی‌دانست تعلیم داد ﴿الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ، عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ﴾ (علق: ۴-۵) و دعوت به خودنگهداری و خودمراقبتی ﴿أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَى﴾ (علق: ۱۲) و پذیرش متریبان با خلق عظیم ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾ (قلم: ۴)، و توجه به عواقب ناخوشایندی بی‌صبری در سیرتربیت متریبان (قلم:



۴۸-۴۹) و توجه دادن آن‌ها به سوی قرآن ﴿إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا﴾ (مزمّل: ۲۰) و انتخاب راه به سوی پروردگار و تقرب به او با ایمان و اطاعت از خدا و رسول الله است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۲، ۱۱۴). ﴿إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا﴾ اعلام بسته نبودن راه بازگشت برای انسان‌های طاغی و مکذب و سعی در اصلاح آنان، هر چند بدترین تهمت‌ها و نسبت‌ها را متوجه قرآن و رسول الله ﷺ کرده‌اند، علامت دیگری از سبقت رحمت بر غضب و خصوصیت رحمت للعالمین رسول الله ﷺ است که علاقه‌مند به هدایت و تربیت همه مردم بود (بهجت پور، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۲۶۱) و ادامه تلاوت برای تغییر و تحول اعتقادی ﴿وَرَبِّ الْقُرْآنِ تَرْتِیلًا﴾ (مزمّل: ۴) و صبوری بر مشکلات راه ﴿وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ﴾ (مدثر: ۷) خداوند به رسول اکرم ﷺ شرح صدری می‌دهد تا او را به مکتب «لدى الهی» برساند و از «ام الكتاب» برخوردارش کند تا او با شرح صدر به ظرفیت‌سازی متربیان بپردازد.

ای پیامبر، ظرف دلت را باز کردیم تا گنجایش این علوم را داشته باشی: ﴿الْمَنْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ وَوَضَعْنَا عَنكَ وَزِجْرًا، الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ﴾ (انشراح: ۱-۴)، سینه‌ات را گشودیم، مانعی از درون و فشاری از بیرون نداری، می‌توانی اسرار را بنگری و سختی‌ها را تحمل کنی و آوازه‌ات را برایت بلند کردیم. تا با صبوری و پایداری بر ایمان به توحید الهی و توکل به خدا و انجام عمل صالح، مسیر تربیت متربیان را هموارسازی (عصر: ۲-۳) و گفت‌وگو با آن‌ها با سخن وحی: ﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ، إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾ (نجم: ۳-۴)، خداوند وحیی بر جان رسول اکرم ﷺ ایجاد کرد که قابل وصف نیست: ﴿فَأُوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أُوْحَىٰ﴾ (نجم: ۱۰)، تا با این معجزه جاودانه و علم لدنی، به تحولی عظیم تا روز قیامت بپردازد. و خارج نشدن از کلام وحی ﴿مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَىٰ، مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَىٰ﴾ (نجم: ۱۱-۱۷) و هدایت و تربیت بر صراط مستقیم ﴿إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ، عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (یس: ۳-۴) و دعوت با قول نیکو و عمل صالح ﴿وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّن دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾ (فصلت: ۳۳) و تمسک به قرآن برای تربیت ﴿فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ إِنَّكَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (زخرف: ۴۳) خداوند چون خود مظهر رحمت و رأفت است، دوست دارد رسول الله ﷺ که آینه‌دار جلوه لایزالی او است، به این صفت متصف باشد. رنج‌های متربیان بر رسول الله ﷺ سخت بود و بر هدایت و تربیت آن‌ها اصرار داشت و با متربیان، مهربان بود. رسول الله ﷺ برای مقاومت در برابر دشمنان تربیت الهی، از اسوه‌های صبر الگو گرفت و در سرگذشت آن‌ها تدبیر کرد (صاد: ۴۴، ۴۲، ۱۷؛ لقمان: ۱۷؛ شوری: ۴۳؛ احقاف: ۳۵) رسول الله ﷺ دلسوز هدایت



یافتن و تربیت اعتقادی متریبان بود و برای آینده اعتقادی آن‌ها نگران بود: ﴿فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَّفْسَكَ عَلَى آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا﴾ (کهف: ۶)، (ای رسول، شاید جان خود را به دلیل عدم ایمان و تربیت ناپذیری متریبان، فدا کنی) و دعوت با ابزار حکمت، موعظه حسنه و مجادله با شیوه‌ای نیکو و جذاب ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾ (نحل: ۱۲۵)، تکمیل این آیات را خداوند در این آیه آورده است: ﴿وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (توبه: ۶) (پذیرش مشرک، پناه دهی، آشنا سازی با قرآن، تلاوت آیات، فرصت دهی برای تفکر، ایمن سازی از تهدیدات، دعوت او به ایمان). شیوه مربیگری رسول الله ﷺ در مکتب تربیت اعتقادی قرآن، شیوه ماندگار و درخشانی برای همه مربیان در طول تاریخ است. رسول الله ﷺ در سیر تربیت اعتقادی قرآن با دعوت متریبان به شناخت و معرفت، علم، تقوا، مجاهده و تلاش هدفمند به حفظ و ارتقاء کرامت آن‌ها پرداخته است. و با استمرار تلاوت هدایت آفرین قرآن ﴿وَأْتْلُ مَا أُوْحِيَ إِلَيْكَ مِنْ كِتَابِ رَبِّكَ﴾ (کهف: ۲۷) و آنچه را که از کتاب پروردگارت به تو وحی شده است بر مردم بخوان و نهضت تعلیم و تربیت را ادامه بده: ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾ (جمعه: ۲).

انس با قرآن و فهم و دریافت علم آن و آموختن دستوره‌های آن، تأسی به پیامبر خاتم ﷺ در تمامی شئون را می‌طلبد؛ چون او مخاطب، معلم، مقری، مفسر و مروج قرآن بوده و اسوه همگان شده است. اگر کسی بخواهد از «فتح مبین»، «کوثر»، «شرح صدر» و «فتح قریب» استفاده کند، به اندازه خود باید پیرو آن حضرت باشد، پیرو کسی باشد که سینه‌اش منشرح است: ﴿رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي﴾، رسولی که کلام و سکوتش مظهر کلام و سکوت خدا است، هر چه می‌گوید وحی است: ﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾ (نجم: ۴). این آیه کریم به لفظ و لسان اختصاص ندارد؛ بلکه مصونیت منطقی، رفتار، سنت و سیره او را نیز می‌رساند: ﴿إِنْ أَتَّبِعْ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ﴾. خداوند سبحان، پیامبر اکرم ﷺ را محور حیات قرار داده است. او مظهر «محبی» است و پیروی از او حیات بخش است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ﴾ (انفال: ۲۴). مقصود از این حیات، حیات نباتی یا حیوانی و مانند آن نیست؛ زیرا خداوند به مردم خطاب نمی‌کند؛ بلکه به مؤمنان خطاب می‌کند، به آنان که از اصل حیات اسلامی طرفی بسته‌اند، می‌فرماید: پیروی از پیامبر، شما را زنده‌تر





می‌کند، یا همچنان حیات شما معنویت‌تان را حفظ می‌کند. رسول‌الله ﷺ با آنکه عالم بر امور متریبان بود؛ دلسوزانه و با محبت، پیگیر هدایت و تربیت آن‌ها بود. خداوند علم او به غیب را این چنین مطرح می‌کند: ﴿قُلْ أَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ﴾ (توبه: ۱۰۵)؛ «به مردم بگو هر کاری می‌کنید خدا، پیامبر و مؤمنان می‌بینند»؛ یعنی مقام رسالت که مقام اطلاع بر غیب، آگاهی بر نهان و نهاد انسان‌ها، قلب‌ها و فکرها و سرهای دیگران است، از کارهای شما اطلاع دارد.

اینکه خدا فرمود: بگو پیامبر می‌بیند، تنها اخبار نیست؛ بلکه با این بیان، پیامبر اکرم ﷺ را مظهر عالم غیب و شهادت کرده است. مربی باید عزیز باشد، تا عزت‌آفرینی کند و نقش مربیگری خود را به شایستگی ایفاء کند. مقام این مربی آن قدر عزیز و والا است که آفریدگار هستی و تمامی فرشتگان بر او درود می‌فرستند و خداوند به همه مؤمنان دستور می‌دهد که آن‌ها هم بر پیامبر ﷺ درود بفرستند: ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ (احزاب: ۵۶)؛ «خداوند و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند، ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر او درود بفرستید و سلام گوید و تسلیم فرمانش باشید».

تربیت فرایندی است که باید تجزیه و تحلیل شده، سپس مراحل آن تبیین شود. خداوند با اشراف بر ابعاد وجودی انسان و شناسایی راه‌های نفوذ مربی در مربی، مسیر تربیت را تبیین کرده است و سیر تربیت اعتقادی را در قالب یک «الگو» عرضه کرده است. مربی با سرعت بخشی به کار و تلاش خود و دقت بیشتر در ارزیابی رشد و تعالی تربیت اعتقادی خود به تربیت متریبان می‌پردازد.

اگر تربیت اعتقادی را فرایند زمینه‌سازی برای التزام به باورهای دینی تعریف کنیم، آنگاه این سؤال مطرح می‌شود که این فرایند از چه مراحل تشکیل می‌شود، از کجا آغاز و از چه منازل عبور می‌کند، و یک مربی چگونه و با چه سازوکاری می‌تواند به این مهم دست یابد؟ مدعای این تحقیق این است که موفقیت و کامیابی مربی در امر تربیت اعتقادی و تأثیر وی در تدین مربی، متوقف بر میزان رعایت و دقت در طی کردن منازل پی‌درپی این الگو است. کارآیی هر مرحله، منحصر به زمان همان مرحله نیست؛ چرا که مربی نباید از هر مرحله بگذرد و بگذارد؛ بلکه حتی پس از گذار از هر مرحله، ملزم به رعایت نکات آن مرحله است. از آنجا که هدف تربیت اعتقادی، یعنی ایمان و زندگی دینی، دارای مراتب تکاملی است و از سطح نازل تا عالی را شامل می‌شود، فرایند تربیت نیز تکرارشونده است.

توضیح آنکه، ایمان و توحید درجات متفاوتی دارد؛ نیل به اهداف بلند و بالای آن، از مسیر اهداف سطح پایین اتفاق می‌افتد. در نتیجه، امر تربیت و فعالیت مربی نیز به همراه مربی، و با گذار از مدارج پایین و به سمت مدارج بالا امکان‌پذیر می‌شود. قرآن در سیر نزول، به تبیین عملیاتی نقش تربیتی مربی الگو پرداخته است. نقش و جایگاه مهم و بی‌نظیر «مربی الگو» در تعلیم و تربیت انسان‌ها مورد اتفاق همه علمای تعلیم و تربیت است.

مربی الگو با خودسازی، صلاحیت لازم را برای دیگر سازی کسب می‌کند؛ مربی الگو با تکامل روحی و معنوی، هدایت جامعه را به عهده می‌گیرد. کسی که خُلُق عظیم دارد، می‌تواند مکارم اخلاق را به کمال برساند؛ زیرا:

ذات نیافته از هستی بخش کی تواند که شود هستی بخش

از این رو است که رسول الله ﷺ اسوه و الگوی حسنه است: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب: ۲۱). مربی الگو با خودسازی به دیگر سازی و بیدار کردن فطرت متریان می‌پردازد. خودسازی و دیگر سازی نیز چیزی جز عمل به آموزه‌های دینی و قرآنی نیست. دیگر سازی از طریق خودسازی ممکن است، و خودسازی می‌تواند عامل عملی بیداری فطرت‌های خفته متریان باشد. متریان با دیدن افراد الهی خودساخته، بهتر می‌توانند میزان ظلم به خود را تشخیص دهند و متحول شوند.

مربی برای مربیگری باید از ویژگی‌های لازم برخوردار باشد، تا بتواند برای متریان الگو باشد و این در وقتی است که مربی در بینش، نگرش، گرایش و رفتارش، عاری از خطا و اشتباه باشد. کسی که می‌خواهد الگوی دیگران شود، اگر در رفتارش ضعف‌هایی باشد و مرتکب خطا و اشتباه شود، نمی‌تواند نقش تربیتی خود را به درستی ایفا کند؛ از این رو، خداوند بر بندگان خود منت نهاد و بندگان برگزیده معصوم خود - که از هر گونه خطا و اشتباهی مبرا هستند - را به عنوان «مربی الگو» معرفی کرد.

البته فقها و علمایی که تالی تلو معصوم و راوی سیره و سنت او هستند نیز در مقام «مربی الگو» به راهنمایی، ارشاد، هدایت و تربیت مردم پرداخته، خالصانه بر صراط نبوی گام بر می‌دارند. علمای اسلام در طول زمان و از جمله آیت الله ناصری در عصر نظام مقدس جمهوری اسلامی، به مصداق آیه: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي» (یوسف: ۱۰۸)، به تبعیت از رسول الله ﷺ به عنوان یک مربی الگو به تربیت اعتقادی جامعه پرداخته‌اند.



نقش و جایگاه آیت الله ناصری به عنوان «مربی الگو» با رویکرد به بینش و نگرش مؤمنانه، رفتار مؤمنانه، منطق، حکمت و موعظه حسنه قرآنی او در تربیت اعتقادی جامعه حائز اهمیت است و مرجعیت او را در نظام پایدار تعلیم و تربیت قرآنی معلوم می‌دارد.

ب) تربیت اعتقادی

«تربیت» در حوزه معارف و آموزه‌های قرآنی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. موضوع «تربیت اعتقادی» چونان دیگر موضوعات نیست تا بتوان به سادگی به آن پرداخت و از آن گذر کرد. تربیت اعتقادی، نیازمند اهتمامی مضاعف است و قرآن به آن نگرشی ویژه دارد؛ به گونه‌ای که حتی اسماء و صفات قرآن، رویکرد تربیت‌مدارانه دارند و ما را به اهداف و برنامه‌های تربیت اعتقادی قرآن می‌رسانند. از آغاز بعثت رسول الله ﷺ و نزول قرآن، مسأله «تربیت اعتقادی» به عنوان یک هدف اساسی اعلام شده است، (علق: ۵؛ قلم: ۱؛ جمعه: ۲؛ بقره: ۱۲۹) از موضوعات مهم در علوم انسانی که تأثیر زیادی در تحولات فردی و اجتماعی دارد، موضوع تربیت است.

البته تربیت حیظه‌های مختلفی دارد. حیظه عقیدتی تربیت، زیرمجموعه تربیت دینی است و تربیت اعتقادی یک گرایش خاص از تربیت دینی است. تربیت اعتقادی موضوعی خاص از بین همه ابعاد تربیت است و اهمیت آن به حدی است که بدون تربیت اعتقادی سایر مراحل و مراتب تعلیم و تربیت ناکام خواهد بود. (مطهری، ۱۳۶۱: ۶۵) تربیت اعتقادی به معنای تمهید مناسب و به‌دوراز تحمیل، برای رسیدن انسان به ادراک تصدیقی صحیح مستقر در قلب و ذهن از خود، جهان اطراف و خالق این جهان بر اساس آنچه خود می‌یابد و فطرت او اقتضاء می‌کند و پیمودن مسیر برای تکامل نهایی در اعتقاد به خدا و رسیدن به جایگاه واقعی خود در کل مجموعه هستی است. (زارعان، ۱۳۹۳: ۳۳، ۱۴ و ۱۵) تربیت اعتقادی اولین تربیتی است که قرآن مطرح می‌کند و رسول الله ﷺ بر اساس سوره‌های قرآن به ترتیب نزول به آن می‌پردازند. نقش رسول الله ﷺ به عنوان مربی الگو در تربیت اعتقادی، ارائه برنامه تربیت با تلاوت آیات قرآن و فراهم‌سازی بسترهای تربیتی و جهت‌دهی و هدایت‌آفرینی بوده، تا انسان‌ها در تربیت اعتقادی مکتب قرآن، آگاهانه و با دل و عقل خود به خدا، معاد و نبوت ایمان آورند و آن‌ها را باور کنند و استعدادهای فطری و ایمانی‌شان شکوفا شود و بینش و نگرش مؤمنانه، رفتار مؤمنانه، منطق، حکمت و موعظه حسنه قرآنی متربیبان در نظام پایدار تعلیم و تربیت قرآنی



شکل گیرد و بدین ترتیب الگویی برای تربیت اعتقادی، فرا روی همه مخاطبان قرآن فراهم آید. بی‌تردید برای تربیت، نیاز به مربی است. از آنجا که برنامه تربیت اعتقادی قرآن، متربی محور است، یک موضوع اعتقادی قرآن «مربی شناسی» است. آیات متعددی درباره کیفیت معرفی رسول الله ﷺ به عنوان مربی و ایجاد و تقویت ایمان به او و مفروض گرفتن نبوت او و تبیین آثار و خدمات و سیره تربیتی او و تکریم و بزرگداشت رسول الله ﷺ نازل شده است. مربی در مراحل «اقدام، اشاعه و اقامه» نقش آفرین است. هرکدام از این مراحل سه‌گانه با حضور مربی تربیت اعتقادی به نتیجه می‌رسد و موجبات کمال متربی را فراهم می‌آورد.

قرآن، دو دسته مربی را با عناوین مربی الهی و مربی شیطانی معرفی کرده است. جهل، شرک و کفر موجب گمراهی، طغیان و شقاوت انسان‌ها می‌شود؛ ولی خداوند که خود، مربی هستی و «رب العالمین» است برای هدایت و تربیت متربیان، مربی الهی مبعوث می‌کند، تا متربیان را از جهل، کفر و شقاوت نجات دهد.

انبیاء مریبان الهی هستند که برای تربیت متربی از سوی خداوند به رسالت مبعوث شده‌اند. بدون مربی الهی، تربیت اعتقادی شکل نمی‌گیرد؛ زیرا مربی الهی با رشد عقل، علم و تفکر در متربی، موجب مقابله با بندگی شیطان و طواغیت، شرک و کفر، طغیان و تکبر و رفتارهای مشرکانه می‌شود.

با توجه به رسالت تربیتی قرآن و هدایتگر بودن خدا و پیامبر ﷺ گفتمان تربیتی قرآن، گفتمان مربی و متربی است. این نشان از آن دارد که وجود مربی در فرایند تربیت، یک واقعیت انکارناپذیر است. روش قرآن در تربیت، شیوه متربی محوری است؛ یعنی بر آزادی و اختیار متربی، مسئولیت‌پذیری متربی در برابر تکالیف و برنامه‌های تربیت و تفکر، اندیشیدن و تدبر در مفاد، اهداف و برنامه‌های تربیت استوار است و هرگز بر اساس اجبار و اکراه، رها شدگی و تسلیم و تقلید کورکورانه نیست. همین امور است که نقش، جایگاه و کار مربی الگو را در مراحل «اقدام، اشاعه و اقامه» ارزشمند و مهم می‌کند.

شیوه متربی محور معمولاً بر اساس الگوپذیری استوار است. اگر الگو ارائه می‌شود، برای این است که کار متربی آسان شود، نه آنکه جای انتخاب و گزینش متربی را بگیرد. شیوه‌های تربیتی قرآن که بر متربی محوری استوار است، بیشتر بر اساس انذار، تذکر، پند و اندرز، موعظه و تشویق و ترغیب و مانند آن صورت می‌گیرد. صلابت و سهولت آموزه‌های اعتقادی از سوی



مربی نشانگر میزان تأثیر هر یک از مربی و متربی در فرایند تربیت است. در این فصل به قابلیت‌ها، صلاحیت‌ها، برنامه‌ها، موانع و چالش‌های مربی تربیت اعتقادی قرآن به ترتیب نزول در مراحل «اقدام، اشاعه و اقامه» پرداخته شده است.

ج) آیت الله محمدعلی ناصری

چگونگی شکل‌گیری مربیان الگو را باید در نظام تعلیم و تربیت حوزه‌های علمی شیعه دید. ساختار آموزشی و پرورشی این حوزه‌ها، به گونه‌ای است که برآیند آن مربیانی الگو در صراط قرآن و رسول الله ﷺ و عترت طاهرین است که براساس برنامه قرآن و سیره تربیتی معصومین به تعلیم و تربیت نفوس آماده می‌پردازند؛ اگر چه در این سیر نباید از نقش و تأثیر نهاد خانواده‌های مؤمن، متدین و تربیت یافته نیز غافل شد.

محمد علی در سال ۱۳۰۹ در دولت آباد اصفهان و در خانواده‌ای روحانی و اهل زهد و تقوا به دنیا آمد. جد او، ملاعباد طغیانی دولت آبادی بود که در دولت آباد برخوردار اصفهان می‌زیست. پدر او محمدباقر ناصری دولت آبادی (۱۲۷۰ - ۱۳۶۱)، از علمای زاهد اصفهان و از شاگردان عالم ربّانی حاج آقا رحیم ارباب بود که مزار وی در امامزاده محمود دولت آباد است. محمد علی ناصری، تعلیم و تربیت خود را ابتدا از محضر پدر و تعلیمات معنوی او آغاز کرد و سپس در حوزه علمیه اصفهان از محضر اساتید بهره مند شد.

حوزه علمیه اصفهان از زمره حوزه‌های علمیه‌ای است که اساتید آن پدران به تعلیم و تربیت و پرورش مربیان الگو مشغول هستند. محمد علی ناصری از زمره پرورش یافتگان حوزه علمیه اصفهان است. او در چهارده سالگی با مهاجرت پدرش به نجف اشرف، راهی نجف شد. بعد از سه سال، پس از برگشت پدر به ایران، او همچنان به ادامه تحصیل در نجف پرداخت و وارد مدرسه صدر نجف شد. پدر پیش از جدایی از فرزند، او را نخست به حضرت امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام و سپس به مرحوم آیت الله شیخ محمد حسین دهاقانی سپرد که در شمار اعلام و اولاد آن شهر مقدّس بود.

محمد علی ناصری در سیر تعلیم و تربیت خود از محضر اساتید به نام همچون مدرس افغانی، مجتبی لنگرانی، سید عبد الاعلی سبزواری، عبد الکریم کرونلی اصفهانی، سید محمد رضوی کشمیری، صدرا بادکوبه‌ای، میرزا هاشم آملی، سید عبدالهادی شیرازی، امام خمینی، سید محمود شاهرودی و سید ابوالقاسم خوبی کسب فیض کرد. محمد علی علاوه بر علوم رسمی



به بهره‌گیری علوم معنوی نزد بزرگانی چون محمد کوفی، سید محمد کشمیری، شیخ عباس قوچانی، سید هاشم حداد و سید جمال‌الدین گلپایگانی پرداخت. همچنین با شخصیت‌های عرفانی و اخلاقی چون علامه طباطبایی، محمد اسماعیل دولابی، حاج عبدالرضا گردعاری، مولوی قندهاری و آیت‌الله العظمی بهجت آشنایی و ارتباط و نشست‌های صمیمانه‌ای داشت. وی با عارف گمنام مولوی قندهاری، عقد اخوت بسته بود. این سیر تعلیم و تربیت محمد علی را به درجه اجتهاد رساند و او را به عنوان یک مربی الگو مطرح ساخت.

این مربی الگو به پیشنهاد اساتیدش از جمله آیت‌الله سید محمد کشمیری به اصفهان باز می‌گردد و به برگزاری مجالس تدریس فقه و اصول و تفسیر قرآن در حوزه علمیه اصفهان و تربیت متریان مستعد می‌پردازد. همچنین با برگزاری سلسله جلسات درس اخلاق در مدارس علمیه اصفهان و اقامه نماز جماعت و مجالس وعظ و سخنرانی در مسجد کمرزین اصفهان به اشاعه و ترویج فضائل و مکارم اخلاقی اقدام می‌کند.

رویکرد اخلاقی و تربیتی این استاد اخلاق و مربی الگو و عاشق و شیفته امام زمان علیه السلام موجب شده بود تا نفوس مستعد و متریان تربیت‌پذیر گرد او جمع شوند و همین شاخصه، او را در میان اساتید حوزه علمیه اصفهان ممتاز کرده بود. او طلاب را به عنوان یک گروه مرجع و مؤثر در جامعه، به تقوا فرا می‌خواند؛ از این رو از جمله دوره‌های سیر و سلوک تربیتی که برای آن‌ها آغاز کرد، شرح فرازهایی از خطبه بلند حضرت امیرالمؤمنین در مورد حالات و خصوصیات اخلاقی متقین بود که بعدها همان مطالب در قالب کتابی به نام رسم بندگی منتشر شد.

آشنا سازی مردم با امام زمان علیه السلام و افزایش سطح معرفت و ولایت‌مداری و برقراری رسم عشق و محبت بین منتظران با امام منتظر، رسالت دیگری بود که این مربی الگو به کار بست و نتیجه این مجموعه سخنرانی‌ها درباره حضرت مهدی علیه السلام در کتاب آب حیات و آیات تأویل شده به حضرت ولی عصر علیه السلام و آخرالزمان در کتاب در امتداد نور و گزیده سخنرانی‌ها درباره قطب عالم امکان حضرت ولی عصر علیه السلام در کتاب سخن دوست منتشر شد.

مبانی نظری قرآنی آیت‌الله ناصری علیه السلام

مقصود از این عنوان، پیش‌فرض‌های اعتقادی برگرفته از قرآن است که از مطالعه زندگی آیت‌الله ناصری - اعم از مصاحبه‌ها، مجموعه سخنرانی‌ها، درسنامه‌ها و مکتوبات ایشان - استفاده می‌شود. مهم‌ترین این مبانی قرآنی عبارت است از:



الف: نگرش و بینش مؤمنانه

گرایش‌های انسان، وابسته به شناخت و آگاهی او است؛ بنابراین هر اندازه انسان بر اساس ظرفیت وجودی خود به عظمت خداوند پی ببرد و آن را درک کند و عظمت الهی برایش جلوه کند، احساس خضوع، تواضع و فقر وجودی در او حاصل خواهد شد. هر قدر این معرفت کامل تر شود، این احساس زنده‌تر و عمیق‌تر می‌شود؛ از این رو به پاک‌سازی و تهذیب ذهن و قلب از مظاهر بت‌پرستی و شرک در همه ابعاد آن و مانوس‌سازی دل با خداوند و توحید و یگانگی می‌پردازد.

باور به توحید مهم‌ترین اصل از اصول اسلامی است. این باور، تمام نگرش و رفتار و اهداف مهم زندگی انسان را تحت تأثیر مستقیم خود قرار می‌دهد. محور تربیت اعتقادی انبیا، رساندن انسان به همین ایمان و باور است، تا حضور خداوند را در زندگی احساس نماید و خالقیت، مالکیت، رزاقیت و حاکمیت خدا را باور کند، از سر عشق و محبت و معرفت به بندگی خدا بپردازد، تمام اعمال و کردار خود را به رنگ عبودیت و بندگی خالصانه خدا در آورد، از هر چیزی که رنگ غیر خدایی دارد، پرهیز کند و آنچه موجب ارتباط و اتصال او به معبود از قبیل دعا، ذکر، مناجات، راز و نیاز، نماز، تهجد، تلاوت قرآن و خدمت خالصانه است را به کار گیرد.

آیت‌الله ناصری رحمته‌الله علیه معتقد بود:

«اصول دین با توحید شروع می‌شود، سپس نبوت و بعد امامت. حضرت احدیت دارای دو گونه صفات است که مربوط به مراتب توحید است. البته اگر صفات جلال، صفات جمال و صفات افعال را بیفزاییم، اوصاف حضرت حق مجموعاً پنج قسم می‌شود. اما صفاتی که مربوط به توحید است، صفات ثبوتیه و صفات سلبيه است که هشت صفت ثبوتیه و هفت صفت سلبيه است و به تعداد ابواب بهشت و جهنم اشاره دارد. حضرت حق، علت العلل و علت وجود جمیع عوالم است. همه این موجودات، معلول علت واحدند. حضرت احدیت کسی است که این عالم وجود را ایجاد کرد و از هر نقص و عیبی مبرا ساخت.

این میلیون‌ها کهکشان و میلیاردها ثوابت و سیارات همه، هستی خود را مدیون اویند. در طبقات پنج‌گانه عالم وجود، یعنی عالم ملکوت، عالم لاهوت، عالم ناسوت، عالم مجردات و عالم امر، در هر کدام نیز موجوداتی زندگی می‌کنند. منظومه‌ای که ما در آن هستیم، از کوچک‌ترین منظومه‌های عالم وجود است. حضرت احدیت

مخلوقاتی دارد که زمین حتی گنجایش یکی از آن‌ها را ندارد و روایات متعدد در این زمینه وارد شده است؛ مثلاً حضرت روح که شب قدر برای رسیدگی به اعمال به زمین نزول می‌کند، بر زمین فرود آمدن این بزرگوار دشوار است. از آن میلیاردها سال قبل، خداوند عالمی و مخلوقاتی دارد که برخی از آن‌ها مشغول رکوع، عده‌ای مشغول سجود و بعضی هم مشغول قیام‌اند و همیشه به عبادت و اطاعت حق اشتغال دارند و کارشان همین است.

عبادت هیچ کدام از این مخلوقات، به اندازه سر سوزنی بر عظمت حضرت حق اضافه نمی‌کند و اگر تمام عالم وجود با او مخالفت کنند، به اندازه سر سوزنی بر پرده کبریایی او گرد نمی‌نشیند! حیف که ما قدر چنین خدایی را نمی‌دانیم. خدا محتاج نماز من و تو و امیرمؤمنان نیست. به نماز هیچ پیامبری هم نیاز ندارد. آثار و نتایج این عبادات عاید خود ما می‌شود، نه خدا. بنابراین طاعات و عباداتی که انجام می‌گیرد، برای تعالی و یا درمان خود افراد است، برای خدا نفعی ندارد. اگر تمام عالم وجود معصیت کنند، برای او به اندازه سر سوزنی ضرر ندارد. فرض کنید که الآن آفتاب بر هفت میلیارد نفر می‌تابد. آیا خورشید استفاده‌ای از این افراد می‌برد؟ خورشید می‌تابد و اگر جمعیت هم در آفتاب ننشینند، ضرری به آن نمی‌رسد.

از امام علی علیه السلام روایت شده است که خداوند فرموده است: «خلقتم للبقاء لا للفناء» (آمدی، ۱۳۳) شما را خلق کردم تا همیشه باقی باشید». بر این اساس، مرگ مانند عوض کردن لباس است و فنا نیست؛ اما باید مراحل را طی کنیم. اکنون در منزل چهارم قرار داریم. با مرگ، به منزل پنجم که عالم برزخ باشد، منتقل می‌شویم. آنجا بسیار دیدنی است و برای اهل ایمان چقدر عالی است! کسانی بودند و شاید اکنون هم باشند که در اثر زحمت و اطاعت حضرت حق، در همین دنیا، عالم برزخ را می‌دیدند و اسراری برایشان منکشف می‌شد. بعضی در اثر ناآگاهی، عالم برزخ و قیامت را رد می‌کنند؛ در صورتی که خدا می‌گوید: «عَبْدِي أَطْعِنِي حَتَّى أَجْعَلَكَ مِثْلِي؛ ای بنده من، در اطاعت من بکوش تا خداگونه شوی». نه اینکه خدا بشوی. جمع عالم وجود، تحت اراده انسان کامل است؛ همان گونه که عالم وجود از ائمه اطهار علیهم السلام اطاعت می‌کند.

شکل‌گیری نگرش و بینش مؤمنانه محمد علی ناصری از نهاد خانواده‌ای مؤمن آغاز، و

با حوزه‌های علمیه و نقش تربیتی اساتید و مربیان الگو و سیر مطالعات و سلوک عالمانه و عارفانه او به کمال می‌رسد. برآیند این تأثیرات و نقش‌ها، تربیت انسانی مؤمن، خدا باور، معاد باور، نبوت باور و امام باور است که با توشه‌ای از علوم محمد و آل محمد علیهم‌السلام و تربیتی اعتقادی، به مصداق آیه: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي» (یوسف: ۱۰۸) به تبعیت از رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به عنوان یک مربی الگو برای تربیت اعتقادی جامعه برگزیده می‌شود. تا در صراط رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و عترت طاهرین علیهم‌السلام با بصیرت و بینایی به سوی خدا دعوت کند و توده مردم که غالباً ایمانشان آلوده به شرک است؛ «وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ» (یوسف: ۱۰۶) را به سوی توحید ناب فراخواند.

این مربی الگو باید بتواند بگوید: «وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ». آیت الله ناصری رحمته‌الله‌علیه خالصانه در این مسیر روشن فراخوان به توحید ناب، مواضع خود را با صراحت و بدون ترس بیان و اعلام می‌کرد و با بصیرت و آگاهی، مردم را به سوی خدا دعوت می‌نمود. با قرار دادن مردم در شاهراه صراط مستقیم هدایت، از تفرق و پراکندگی آن‌ها در راه‌های پراکنده شیطانی جلوگیری می‌کرد، آن وقت است که به تعبیر علامه طباطبایی، خداوند این مربی الگو را برگزیده و برای خود خالص می‌سازد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۲، ۵۳۰) و او را مشمول رحمت خود قرار داده، اکرامی بسیار نصیب او می‌کند و خود، متولی امور او شده و او را خاص خود می‌گرداند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۲، ۱۰۷)

آیت الله ناصری رحمته‌الله‌علیه برنامه دعوت و هدایت‌آفرینی به اندیشه‌ها و آموزه‌های توحیدی و تربیت بر آن اساس را برنامه‌ای مستمر و ماندگار برای تربیت شاگردان و متریان خود قرار داده بود؛ به گونه‌ای که قابلیت تعمیم برای فراخوانی متریان به اصلاح و ارتقاء بینش و نگرش و رفتارهایی اعتقادی را برای نسل‌های پیش رو در بر دارد.

گفتمان آموزشی آیت الله ناصری رحمته‌الله‌علیه که در مقام مدرس، معلّم و مربی الگو در حوزه تعلیم و تربیت تلاش می‌کرد، تبیین وحدانیت و یکتایی خدا بود: «يَا بَنِي لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» (لقمان: ۱۳)؛ «پسرم، برای خدا شریک قرار مده؛ زیرا شرک، ستمی بزرگ است». سیره این مربی الگو، از آن حکایت دارد که تمام تلاشش، بارور کردن تفکر خدا محوری در ذهن‌های پاک و بی‌آلایش شاگردان و عموم مردم و به پرواز در آوردن روح‌های بزرگ آنان به سوی مبدأ نور بوده است.



آیت الله ناصری با ارائه شناخت و معرفت قرآنی، جامعه را به بندگی و عبودیت حق دعوت کرد و به تربیت آن‌ها بر محور عبودیت حق می‌پرداخت، تا از فرمان‌های الهی اطاعت کنند و از طواغیت و پیروان آن‌ها که اتباع شیطان هستند، برائت و بی‌زاری جویند؛ چراکه بندگی و عبادت خدا، تنها راه مستقیم هدایت و نجات است: «وَأَنْ أَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ» (یس: ۶۱). بندگی خدا و عبودیت، نیازمند پیمودن و پایبندی به لوازم عبودیت و آداب بندگی است: «إِنَّ أَعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُوا»؛ (نوح: ۳) «که خدا را پرستش کنید و از مخالفت او بپرهیزید و مرا اطاعت کنید».

روش تربیت اعتقادی او به گونه‌ای بود که قرآن در ستایش خانه‌های اهل بیت ذکر کرده است: «فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَيُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ»؛ (نور: ۳۶) «نور هدایت در خانه‌هایی است که خداوند اذن داده رفعت یابند و نام او در آن‌ها ذکر شود». از نشانه‌های چنین تربیتی سحرخیزی، ذکر لسانی و قلبی، دوستی نماز، تلاوت قرآن، انس با مناجات‌ها و اشعار معنویت‌آفرین، یاد خوبان عالم قدس و ارتباط قلبی با حضرات معصوم علیهم‌السلام بود که در وجود فرزندان، شاگردان و متریبان او ظهور یافته است.

آیت الله ناصری علیه‌السلام به انس، تلاوت و عمل به قرآن دعوت می‌کرد و مجالست با قرآن را بسیار مهم و حیاتی در شکل‌گیری تربیت جامعه منتظر امام مهدی علیه‌السلام می‌دانست. امیر المؤمنین علی علیه‌السلام در این باره می‌فرماید: «وَمَا جَالَسَ هَذَا الْقُرْآنَ أَحَدٌ إِلَّا قَامَ عَنْهُ بِزِيَادَةٍ أَوْ نُقْصَانٍ زِيَادَةٍ فِي هُدًى أَوْ نُقْصَانٍ فِي عَمَى»، هرکسی که با قرآن نشست، از این انس با قرآن؛ معرفت، هدایت، تربیت، رشد و کمال در او افزایش می‌یابد و بی‌معرفتی، جهالت و گمراهی، نقصان می‌یابد. (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۲، ۶۰۷)

ب. رفتارهای اعتقادی

نگرش و بینش را می‌توان در حیطه امور دینی، به «اعتقاد» تعبیر کرد. شکل‌گیری بینش و نگرش در درون افراد، واکنش‌هایی را در حیطه رفتاری آنان به وجود می‌آورد که می‌توان از آن به «کنش‌های رفتاری» تعبیر کرد. آن‌گاه که کنش‌های رفتاری از حد فرد گذشت و به گروه‌ها منتقل شد و واکنش‌های رفتاری به نحو جمعی صورت پذیرفت، فرایند «تأثیر و تأثر اجتماعی» آغاز می‌شود.

اعتقاد به توحید و خدا باوری و مجموعه باورهای قرآنی نیز آن‌گاه که از حد بینش و





نگرش به حیطة رفتاری و خصوصاً رفتار عمومی و اجتماعی در مراحل اشاعه و اقامه رسید، دارای تأثیرها و نمودهای عینی بر جامعه دین‌داران خواهد بود. آیت‌الله ناصری رحمته‌الله برای پیشبرد تربیت اعتقادی و اشاعه و اقامه رفتارهای مؤمنانه، از روش‌های تأثیرگذار تربیتی بشارت و تشویق استفاده می‌کرد. با روش بشارت به ایجاب و اثبات بینش توحیدی و تشویق و ترغیب مخاطبان به رفتارهای مؤمنانه می‌پرداخت.

در این روش، بر اساس محبت با آگاهی دادن از نتایج و ثمرات بینش مطلوب و رفتارهای مؤمنانه به متربی، شوق و انگیزه کافی برای حرکت در مسیر آن بینش و انجام دادن آن رفتارها را فراهم می‌ساخت و آن چنان سروری در وی ایجاد می‌کرد که اثر و نتیجه آن در ظاهر و صورت او آشکار می‌شد. ایشان با ذکر بشارت‌های خداوند در سوره قرآن و روایات، انگیزه لازم را برای رغبت به سوی بینش و رفتاری مؤمنانه ایجاد می‌کرد.

با روش تشویق، مخاطبان را به شوق درمی‌آورد و نسبت به رفتارهای اعتقادی ترغیب می‌کرد. روش تشویق در روان‌شناسی «تقویت» نام دارد. در این روش، پس از آنکه فرد تحت تربیت نگرشی قرار گرفت و رفتاری مطلوب از خود نشان داد، مربی به منظور افزایش و تکرار و تدوام عمل و رفتار او، به او محرک مطلوبش را ارائه می‌دهد. تشویق به صورت‌های گوناگون گفتاری یا عملی می‌تواند انجام شود که جلوه‌های متعددی از این روش در سیره تربیتی آیت‌الله ناصری رحمته‌الله وجود دارد.

تشویق از راهکارهای مهم برای ایجاد انگیزه کسانی است که عملکرد مطلوب دارند. تشویق و قدردانی، در روح آدمی اثر مثبت می‌گذارد و او را به انجام دادن عمل نیک ترغیب می‌کند، به او نیرو و قدرت می‌بخشد تا بیشتر بکوشد. تشویق موجب رغبت و دلگرمی و نشاط و تحرك او می‌شود، حس حب ذات انسان را اقناع می‌کند و موجب قوت قلب و نشاط او می‌شود. همچنین موجب رضایت فرد از عملکرد خود و رفع ملالت و کسالت او و سبب ایجاد حس اعتماد و توانمندی افراد می‌شود.

از متداول‌ترین تشویق‌ها، تشویق کلامی است. آیت‌الله ناصری با گفتن جمله‌ها یا کلمه‌هایی، رفتارهای خوب مؤمنان را تشویق می‌کرد و در حقیقت با بیان آن جمله محبت‌آمیز و مهربانانه، به او پاداش می‌داد تا رفتار خوبش تکرار شود.



ب-۱) رفتار عبودیت و بندگی خدا

اولین رفتار مؤمنانه، آیت الله ناصری «عبودیت و بندگی خدا» بود. او عبودیت را نتیجه شناخت و معرفت توحیدی می‌داند و تأکید می‌کند:

«واجباتی که انجام می‌دهیم، اثر و نتیجه‌اش عاید خود ما می‌شود و به خدا چیزی منتقل نمی‌شود. خداوند ذاتاً غنی است. صفات ثبوتیه، عین ذات حضرت حق هستند؛ یعنی علم، حیات، قدرت و غنای او همیشه بوده است. او نیازی به نماز ما ندارد. عبادات برای خود ما آثار و نتایج فوق العاده‌ای دارند. نماز، سبب زیادی رزق، موجب صحت، توشه مؤمن در قیامت و انیس انسان در قبر است و به صورت‌های مختلفی در نشئه‌های وجود در می‌آید. در برزخ و قبر به صورت فرش، در محشر به شکل تاج است. سپر بین انسان و آتش جهنم نیز هست و انسان را از صراط عبور می‌دهد. انسان نمازگزار دیگر معصیت نمی‌کند، هر مقداری از حضرت حق دورتر شویم، از منزلت انسانی خود بیشتر فاصله می‌گیریم. البته او با ما است: ﴿وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ﴾ (حدید: ۴). این من هستم که برای خودم حجاب‌های ظلمانی ایجاد می‌کنم؛ زیرا هر معصیتی یک حجاب و در حکم یک سلول آهنی است. تمام این حجاب‌ها و سلول‌ها را می‌توان از میان برداشت. ناصری می‌تواند حجاب‌های هفتاد ساله و سلول‌های متعددی را که برای خود درست کرده، با یک شب در خانه خدا آمدن، و با گفتن اینکه اشتباه کردم، در اثر ندامت قلبی، موجبات رستگاری خود را فراهم سازد. جوان‌ها کارشان بسیار آسان‌تر و راهشان نزدیک‌تر است. یک شب در خانه خدا برویم و بگوییم: «الهی و ربی من لی غیرک»، خداوند رحم می‌کند، تائب را مورد عنایت قرار می‌دهد و گناهانش را می‌بخشد. کسی که چنین خدای مهربانی دارد، آیا سزاوار است که از او غافل بماند؟ چرا باید بگذارد بار گناهانش سنگین شود؟ در روایات آمده است که اگر شخص معصیت کاری در حالی که همه خوابیده‌اند، بیدار شود و دو رکعت نماز بخواند و بگوید: «خدایا، من آمدم»، خداوند او را می‌پذیرد و گناهانش را می‌آمرزد. همچنین در روایت آمده است که خشنودی خداوند از چنین کسی، بیشتر از کسی است که بار سفر و راحله‌اش را در بیابان گم کرده و تن به مرگ داده و ناگهان زاد و توشه‌اش را یافته است. در روایت دیگر آمده است که خدا ما را دوست دارد و ما را نیافریده تا در آتش دوزخ بسوزیم، او ما را خلق کرده است که در اوج





سعادت و تکامل و در قرب خودش زندگی کنیم.

نماز، کلید بهشت و موجب باز شدن چشم بصیرت انسان است، معجونی از عبادات گوناگون (تکبیر، تحمید، تسبیح، تعظیم و سلام) است. همه چیز در این نماز موجود است؛ لذا بهترین عبادات نماز است. نبی اکرم ﷺ به اندازه‌ای برای نماز خواندن می‌ایستادند که پاهایشان ورم می‌کرد. آیه نازل شد: «مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَىٰ» (طه: ۲). برای چه خودت را این قدر به زحمت می‌اندازی؟ عرض کرد: «افلا أكون عبداً شكوراً». (شیخ صدوق، ۱۳۸۵: ج ۱، ۲۱۷) پروردگارا، در ازای این همه نعمت، نباید شاکر تو باشم؟! وقتی امام زمان ﷺ نماز می‌خوانند، درهای آسمان باز می‌شود و نماز من و شما هم با این همه نواقصش، به احترام امام زمان قبول می‌شود و به آسمان‌ها عروج می‌کند. در روایت داریم: «أَوَّلُ الْوَقْتِ رِضْوَانُ اللَّهِ؛ در اول وقت رضایت حق و خشنودی خدا است». (مجلسی، ۱۴۱۴: ج ۱۰، ۴۰)

از مرحوم قاضی نقل شده که می‌فرمود: «من هر چه دارم، از نماز اول وقت دارم». دو ذکر است که بعد از نماز خیلی اثر دارد و کارهای نابسامان زندگی ما را سامان می‌دهد. اگر در زندگی دچار موانع و مشکلات هستی، تسبیح حضرت زهرا ؑ را بگو، تا کارگشایی شود و دیگری، صلوات. صلوات اختصاص به روز جمعه ندارد. از امام صادق ؑ روایت شده است که فرمودند: «بهترین چیزی که روز قیامت در میزان اعمال مؤمن می‌گذارند و بار اعمال صالحش را سنگین می‌کند، صلوات بر محمد و آل محمد ؑ است». کسی که یک مرتبه بر نبی اکرم ﷺ صلوات بفرستد، خداوند ده هزار مرتبه بر او صلوات می‌فرستد و در روایت دیگر از رسول الله ﷺ آمده است: «مَنْ صَلَّى عَلَيَّ إِيمَانًا وَ احْتِسَابًا اِسْتَأْنَفَ الْعَمَلَ؛ هر کس از روی ایمان و برای خداوند، بر من صلوات بفرستد، تمام گناهانش بخشوده خواهد شد و اعمال خود را از نو آغاز می‌کند». (حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۷، ۱۹۶)

ب-۲) رفتار مؤمنانه رفع اختلاف و تحکیم نهاد خانواده

دومین رفتار مؤمنانه آیت الله ناصری «اصلاح بین مردم، رفع اختلاف و تحکیم نهاد خانواده و صنوف مختلف جامعه» بود. بیت ایشان بیشتر اوقات محل مراجعه خانواده‌ها و گروه‌های مختلف مردم بود. این مربی الگو، در پی تحقق آیات و روایات اصلاح ذات البین بود در قرآن

آمده است: «از [مخالفت فرمان] خدا بپرهیزید و خصومت‌هایی را که در میان شما است، آشتی دهید» (انفال: ۱).

اصلاح ذات البین و ایجاد تفاهم و زدودن کدورت‌ها و تبدیل آن‌ها به صمیمیت و دوستی، از مهم‌ترین و برترین عبادات معرفی شده است. قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام اصلاح بین مردم را از زمره رفتارهای عبادی مؤمن با رویکرد اجتماعی می‌دانند. «اصلاح بین مردم» رفتاری تأثیرگذار است که موجب افزایش آرامش و نشاط و رشد جامعه شده، گام مؤثری در مقابله با وساوس اختلاف برانگیز ابلیس و شیاطین جنی و انسی به حساب می‌آید. اصلاح ذات البین به معنی اصلاح اساس ارتباطات و تقویت و تحکیم پیوندها و از میان بردن عوامل و اسباب تفرقه و نفاق است و در اصطلاح قرآنی، به معنای آشتی دادن مردم و نیز به معنای از میان برداشتن تباهی و اختلاف است.

برای بقاء روابط محبت آمیز و ادامه زندگی مشترک، آشتی دادن بین دو طرفی که خصومت دارند، یک ضرورت اجتماعی است؛ به خصوص اگر رابطه مذکور میان زن و شوهر در محدوده خانواده یا دو طایفه باشد. «اصلاح ذات البین» تنها در سطح فرد یا افراد اثر نمی‌گذارد؛ بلکه سبب انسجام اقشار مختلف جامعه و تحکیم پیوندها میان آن‌ها می‌شود و این خود، سبب پیروزی و عزت و اقتدار جامعه اسلامی می‌شود.

از رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روایت شده است: «أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَفْضَلِ مِنْ دَرَجَةِ الصَّيَامِ وَالصَّلَاةِ وَالصَّدَقَةِ؟ صَلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ، فَإِنَّ فَسَادَ ذَاتِ الْبَيْنِ هِيَ الْحَالِقَةُ؛ أَيَا شِمَا رَا بَه چیزی بافضیلت‌تر از نماز و روزه و صدقه (زکات) آگاه نکنم؟ آن چیز اصلاح میان مردم است؛ زیرا تیره شدن رابطه میان مردم، مهلک و دین برانداز است». (پاینده، ۱۴۰۱: ح ۴۵۸)؛ (ری شهری، ۱۳۷۹: ج ۱۰، ص ۳۵۸۶)

از امام علی علیه‌السلام روایت شده است که فرمودند از رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شنیدم که اصلاح میان مردم از تمام نمازها و روزه‌ها برتر است: «أَوْصِيكُمْ بِأَفْضَلِ مَا أَوْصِيَكُمْ بِهِ وَ جَمِيعِ وَاَلِدِي وَ أَهْلِي وَ مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي، بِتَقْوَى اللَّهِ وَ نَظْمِ أَمْرِكُمْ وَ صَلَاحِ ذَاتِ بَيْنِكُمْ، فَإِنِّي سَمِعْتُ جَدَّكُمْ يَقُولُ: صَلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ أَفْضَلُ مِنْ عَامَّةِ الصَّلَاةِ وَ الصَّيَامِ». (نهج البلاغه، ترجمه دشتی، نامه ۴۷)

علت این همه تأکید روشن است؛ زیرا عظمت و توانایی و قدرت و سربلندی مردم مؤمن، جز در سایه تفاهم و تعاون ممکن نیست. اگر مشاجره‌ها و اختلافات اصلاح نشود، ریشه عداوت تدریجاً در دل‌ها نفوذ می‌کند و جامعه‌ای را به گروه‌های پراکنده تبدیل می‌سازد که



در مقابل هر حادثه‌ای ضعیف می‌شود و مسائل اصولی اسلام به خطر خواهد افتاد.

کار ابلیس و ایادی جنی و انسی آن‌ها در قالب ماهواره‌ها، سایت‌ها، شبکه‌های رسانه‌ای مکتوب و مجازی آن‌ها؛ ایجاد اختلاف، دلسرد کردن مردم، ایجاد تفرقه و شک و دودلی در حقایق، ایجاد بدبینی بین نخبگان سیاسی و جدا سازی افراد ضعیف از جمع مردم مؤمن است. اصلاح میان آحاد جامعه اسلامی و اقشار مختلف مردم، از رفتارهای اعتقادی است و علامت شرافت نفس و طهارت ذات است و به این سبب، ثواب بسیار و فضیلت بی‌شمار به ازای آن در احادیث و روایات رسیده است. از رسول الله ﷺ چنین روایت شده است: «برترین صدقات، اصلاح میان مردمان است». (مجلسی، ۱۴۰۷: ج ۷۵، ۵۰، ح ۴)

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده است: «صَدَقَةٌ يَحْيِيهَا اللَّهُ إِصْلَاحَ بَيْنِ النَّاسِ إِذَا تَفَاسَدُوا وَ تَقْرِيْبٌ إِذَا تَبَاعَدُوا؛ صدقه‌ای که خداوند دوست دارد، اصلاح میان مردم است، زمانی که با هم نزاع دارند و نزدیک نمودن آن‌ها به یک دیگر، هنگامی که از هم دور شوند». (طبرسی، ۱۳۷۹: ج ۱، ۳۹۷)

ب-۳) رفتار مؤمنانه تربیت خانواده‌هایی مصلح باور

سومین رفتار مؤمنانه آیت الله ناصری «اقدام به تربیت خانواده‌هایی مصلح باور» بود؛ از این رو با در نظرگیری این افق روشن، به پاک سازی و تهذیب اذهان و قلوب مردم از مظاهر بت پرستی و شرک در همه ابعاد آن و آشنا سازی دل‌ها با خداوند و توحید و یگانگی آن و نبوت و امامت در منابر و مجالس خود می‌پرداخت. او به نجات خانواده‌ها از جهالت و گمراهی، و رهایی آن‌ها از دام خرافات، شبهات و توهمات، و هدایت آن‌ها به سوی قرآن و عترت جدیت داشت، از این رو با ارائه شناخت و معرفت قرآنی، مردم را به بندگی و عبودیت حق دعوت می‌کرد و به تربیت آن‌ها بر محور عبودیت حق می‌پرداخت، تا از فرمان‌های الهی اطاعت کنند و از طواغیت و پیروان آن‌ها - که اتباع شیطان‌اند - براثت و بی‌زاری جویند و با دعا، ذکر، مناجات، راز و نیاز، تهجد و سحرخیزی، تلاوت قرآن، ذکر لسانی و قلبی، دوستی نماز، انس با مناجات و اشعار معنویت آفرین، زندگی خود را به عمران و آبادی مطلوب و مورد رضایت امام زمان علیه السلام برسانند.

ب-۴) رفتار مؤمنانه رفع مشکلات جامعه اسلامی

چهارمین رفتار مؤمنانه آیت الله ناصری، رفع مشکلات از جامعه اسلامی و مردم بود. بانی و



مؤسس شمار زیادی از مراکز آموزشی، فرهنگی، خیریه، درمانی و پزشکی بود، تا بتواند مشکلات مردم را مرتفع کند و رفاه مناسبی را برایشان رقم زند. مجموعه‌ای از مدارس علمیه و مراکزی که مباحث تخصصی اخلاق و فقه در سطوح عالی تدریس می‌شود، به سبب وجود او شکل گرفت. وی در تربیت طلاب با معرفت نقش پررنگی داشت. مدارس و مراکزی همچون «حوزه علمیه حضرت ولی عصر^{علیه السلام}، حوزه علمیه صاحب الزمان^{علیه السلام}، حوزه علمیه خواهران نرجس خاتون^{علیها السلام}، مرکز شبکه‌های مجازی حضرت ولی عصر^{علیه السلام} در دولت آباد، مؤسسه تحقیقات نجوم اسلامی، مؤسسه دارالهدی قم و بنیاد علمی فرهنگی هاد را بنیان گذاشت. او در کنار درمان روح و روان و اخلاق و اصلاح سبک زندگی مردم، به درمان جسم و بیماری‌های جسمی مردم پرداخت و به تأسیس مراکز درمانی و پزشکی اقدام کرد. بیمارستان حضرت ولیعصر^{علیه السلام} را با بخش‌های زایمان، دیالیز، آزمایشگاه، رادیولوژی، دندانپزشکی، پزشکی عمومی و تخصصی آن، بخش دیالیز بیمارستان گل‌دیس شاهین شهر، بخش دیالیز بیمارستان محمد رسول الله^{صلی الله علیه و آله} میمه و اورژانس شبانه‌روزی دولت آباد را تأسیس کرد، تا خدمات درمانی به مردم محروم این مناطق عرضه شود و رفاه در حوزه درمان و سلامت برای مردم فراهم آید.

آیت الله ناصری به ساخت و تأسیس مساجد عنایت و همت خاصی داشت. مساجد را بنابر روایت رسول الله^{صلی الله علیه و آله} محفل انبیا و نبیوت المؤمنین می‌دانست (نوری، ۱۳۶۶: ج ۳، ۳۶۳) و با روش‌های بشارت و تشویق، مردم را به این رفتار مؤمنانه هدایت می‌کرد.

در روایت است که «حتی المقدور اگر می‌توانی، یک مسجد برای خودت بساز؛ اگرچه به اندازه‌ای باشد که یک کبوتر در آن بخوابد». این کنایه از کوچکی مسجد است. اگر مسجدی کوچک بسازی، خداوند خانه‌ای در بهشت برای تو مهیا می‌کند، «مَنْ بَنَا مَسْجِدًا بَنَّا اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ». (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۳، ۳۶۸) اگر نمی‌توانی مسجد بسازی، دست کم مقداری آجر یا کیسه‌ای سیمان یا مقداری سنگ برای ساخت مسجد کمک کن و یا یک روز برای ساخت مسجد کار بکن. این‌ها همه‌اش اثر دارد.

در حدیث قدسی آمده است: «ان بیوتی فی الأرض المساجد و طوبی لمن زارنی فی بیتی؛ خانه‌های زمینی من مساجد هستند. خوشا به حال کسی که در خانه من به زیارت من بیاید». (شیخ صدوق، ۱۳۸۵: ج ۱، ۲۳۹) حضور فعال، معنادار و هدفمند مؤمنین در مساجد مورد تأکید است.



ب-۵) رفتار مؤمنانه احسان، انفاق و کمک رسانی به دیگران

پنجمین رفتار مؤمنانه آیت الله ناصری، احسان، انفاق و کمک رسانی به دیگران بود. از عوامل تأثیرگذار در ایمان و رشد آن؛ احسان، انفاق و کمک رسانی به دیگران است. خداوند برای همراه کردن رفتار مؤمنانه با نگرش مؤمنانه از بدو برنامه تربیت اعتقادی مؤمنان، آن‌ها را به احسان، انفاق و کمک رسانی به دیگران ترغیب و تشویق می‌کند و یک مرزبندی مشخصی را در جامعه از بعثت رسول الله ﷺ با رفتار احسان، انفاق و کمک رسانی به دیگران به ترتیب نزول نشان می‌دهد.

آیت الله ناصری به احسان و نیکوکاری به دانش آموزان، دانشجویان و طلاب مستمند و محروم توجه داشت و کمک هزینه‌ای را برای ازدواج طلاب جوان پرداخت می‌کرد و به کمک به افراد تحت پوشش کمیته امداد امام و حل مشکلات معیشتی افراد فقیر تأکید داشت. بارها در منابر بر حفظ آبروی افراد اصرار می‌ورزید و این روایت امام صادق علیه السلام را قرائت می‌کرد: «عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا إِسْحَاقُ، كَيْفَ تَضَعُ بِرْكَاتِ مَالِكَ إِذَا حَضَرَتْ؟ فَقُلْتُ: يَا تُؤْتِي إِلَى الْمُنْزِلِ فَأُعْطِيهِمْ، فَقَالَ: أَرَاكَ يَا إِسْحَاقُ قَدْ أَذَلَّتِ الْمُؤْمِنِينَ، فَإِيَاكَ إِيَاكَ، إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: مَنْ أَذَلَّ فِي وَلِيٍّ فَقَدْ أُرْصَدَ لِي بِالْمَحَارَبَةِ؛ إِسْحَاقُ بْنُ عَمَّارٍ كَفَتْ: حَضَرَتْ إِمَامَ صَادِقٍ علیه السلام بِهِ مِنْ فَرَمُودٍ: أَيِ إِسْحَاقُ، وَقَتِي مِى خَوَاهِي زَكَاتِ مَالْتِ رَا بَدَهِي، چگونگی می‌دهی؟ عرض کردم: مستحقین را خبر می‌کنم، به منزل من می‌آیند. در آنجا سهم هر کدام را می‌دهم. فرمود: ای اسحاق، می‌بینم که مؤمنان را ذلیل می‌کنی؟ مبادا این کار را بکنی؛ زیرا خداوند فرمود: هر کس ولی مرا خوار و ذلیل کند، با من به جنگ برخاسته است. (حر عاملی، ۱۳۹۳: ص ۶۳)

آیت الله ناصری با واسطه و گاهی بی‌واسطه و به مناسبت‌های مختلف، به یاری مستحقین محروم با حفظ حرمت، شخصیت و آبروی آن‌ها اقدام می‌کرد و از اینکه اسمی از ایشان برده شود، یا تقدیر و تجلیلی صورت گیرد، به شدت پرهیز داشت.

ب-۶) رفتار مؤمنانه اطاعت و ولایت‌پذیری از رهبری

ششمین رفتار مؤمنانه آیت الله ناصری، دوست‌شناسی و دشمن‌شناسی و شناخت نقش رهبری در مبارزه با استکبار جهانی بود. این رفتار از بصیرت ایمانی ایشان نشأت می‌گرفت و او را بر محور ولایت و رهبری ثابت قدم می‌کرد. در قرآن آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ

أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾ (نساء: ۵۹)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و فرستاده خدا و صاحبان امر خودتان را اطاعت نمایید. و اگر در چیزی با همدیگر اختلاف کردید، پس آن را به خدا و فرستاده‌اش ارجاع دهید و از آن‌ها داوری بطلبید. اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید، این کار بهتر و فرجامش نیکوتر است».

آیت‌الله ناصری در تمام عمر خویش در مسیر امام خمینی و رهبر معظم انقلاب حرکت کرد. امام خمینی را منزه‌ترین عالم دین که جهان را تکان داد و اسلام را احیا کرد، و ولایت فقیه را تنها نسخه نجات بخش این امت قرار داد، می‌دانست. رهبر اندیشمند و حکیم انقلاب اسلامی را نایب برحق امام زمان علیه السلام می‌دانست و در قول، عمل و رفتار، سال‌های سال این مهم را نشان داد. در حقیقت گفتار و بیانات ایشان در دفاع از ولایت و رهبری شاخص بود. استمرار انقلاب اسلامی را به موضوع مهدویت مرتبط می‌دانست و طبق این اعتقاد، ارادت خاصی به امام زمان علیه السلام، انقلاب، امام و رهبر حکیم انقلاب داشت. این رفتار مؤمنانه مربی الگو برای تمام علماء، فضلا و طلاب درس آموز بوده و خواهد بود.

ج. حکمت و موعظه حسنه قرآنی

آیت‌الله ناصری علیه السلام به تدریس، تبیین و تبلیغ علوم و معارف دین اهتمام زیادی داشت. او دانش اخلاق نظری و عملی را برای عموم مردم و شیفتگان مکتب تربیتی اهل بیت بیان می‌کرد و همواره در این مباحث از سرچشمه فیض مهدوی بهره می‌جست. در مواعظ حکیمانه‌اش «انس با قرآن، توجه، تفکر و تدبر در آیات قرآن و التزام به عمل صالح قرآنی» تکرار می‌شد، تا مردم را از ظلمات نفس، تاریکی فکر، جهالت و گمراهی، خرافات، ترس‌ها و زبونی‌ها و توهّمات نفسانی و شیطانی خارج کند و به نور هدایت، معرفت و تقرب برساند.

روش تبلیغی و ترویجی آیت‌الله ناصری در حوزه تربیت، گفتاری بود و کمتر رویکرد نوشتاری داشت؛ اما از مجموع سخنرانی‌های تأثیرگذار و موعظه‌های دل‌نشین ایشان، چند جلد کتاب منتشر شده است. آیت‌الله ناصری نماد تبلیغ و ترویج مکتب قرآن و عترت به ویژه حضرت ولی عصر علیه السلام بود. در بیشتر جلسات عمومی و اخلاقی، ملاک و معیارش سخن درباره امام زمان علیه السلام بود و در حوزه مهدویت، دارای مباحثات، گفت‌وگوها و آثار مکتوب بود.

آیت‌الله محمدعلی ناصری دولت‌آبادی از زمره علمای حوزوی دوران معاصر بود که در





امامزاده ابراهیم بن موسی بن جعفر شهرستان دولت آباد و مسجد کمر زرین شهر اصفهان اقامه نماز می‌کرد و حاضران را با مواعظ گیرا، حکیمانه و دل‌نشینش، به فیض می‌رساند. موعظه‌های دل‌نشین اخلاقی و تربیتی آن عالم فرزانه که جان و دل هزاران مخاطب را متذکر می‌شد، از ایشان شخصیتی کم‌نظیر و مردمی ساخته و پرداخته بود. عالمی که سخن در باب مهدویت و امام زمان علیه السلام از زبان و بیانش نمی‌افتاد و ارادتش به امام غایب از نظر، در دل و جان هر شنونده‌ای مشهود و محسوس بود.

آن عالم ربانی، اشاعه دهنده معرفت و محبت اهل بیت عصمت و طهارت بود و در منزلش سال‌های سال پذیرای مردان و زنانی بود که از دور و نزدیک به دیدارش می‌رفتند و از نفس حق‌گوی او بهره می‌بردند. این مربی الگو برای حوزه علمیه اصفهان، مدرسی عالی قدر و استاد اخلاقی نافذ و مهربان و برای عموم مردم، اسوه‌ای عامل در تقوا و تهذیب و برای سالکان طریق، راهنمایی دلسوز در پیمودن راه تزکیه نفس و سلوک الی الله بود.

تربیت یافتگان علمی و عملی این عالم واصل و متقی و این مربی الگو درس آموز مقام اخلاص و صفای نفس و ارادت و دل‌باختگی زائد الوصف او به قطب عالم امکان حضرت بقیه الله الأعظم - ارواح العالمین له الفداء - بودند. بی‌شک فعالیت‌های تربیتی و برنامه‌های پربرکت این عالم ربانی، درسی ماندگار برای همه حوزویان و سربازان حضرت ولی عصر علیه السلام و مردم شریف و باایمان است که سالیان متمادی از محضر پرفیض دروس اخلاق و معرفت ایشان بهره می‌بردند.

کار تبیین معارف اعتقادی را با ذکر آموزه‌هایی گدازنده، تکان دهنده، برانگیزاننده و تحول‌آفرین در منابر و کرسی تدریس آغاز کرد و از آنجا که حکمت‌ها و مواعظ حسنه او از خصائلی همچون پویایی، جذابیت ظاهری و باطنی برخوردار بود، رسانه‌های صوتی و تصویری نیز به انعکاس آن پرداختند. دعوت به سوی علم و دانش و تربیت قرآنی، دعوت به تهذیب از شرک و توجه به ضرورت امر خودسازی، دعوت به سوی خدا و تربیت الهی، پرورش و تربیت روح توحید در متریان، دعوت به سوی نور و تربیت نورانی و خارج کردن متریان از ظلمات، حق‌مداری، دعوت به سوی اصلاح جامعه و تربیت صالح، اصلاح نگرش و اصلاح رفتار و اصلاح روابط و نظامات اجتماعی، سرفصل‌های سخنان و مواعظ حکیمانه او بود.

آیت‌الله ناصری در کار تبیین و تبلیغ علوم و معارف دین و تربیت اعتقادی مردم، در

مقام طبیبی بود که براساس کتاب قانون خدا (قرآن) و رهنمودهای قرآن‌های ناطق (عترت طاهرین علیهم‌السلام) نسخه‌های درمان و اصلاح نفوس مستعد را ارائه می‌کرد و در این سیر به کلام رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم استشهاد می‌کرد که می‌فرمودند: «يَا عِبَادَ اللَّهِ أَنْتُمْ كَالْمُرْضَى وَ رَبُّ الْعَالَمِينَ كَالطَّبِيبِ فَصَلِّحُ الْمُرْضَى فِيمَا يَعْمَلُهُ الطَّبِيبُ وَ يَدْتَرُهُ لَا فِيمَا يَشْتَهِيهِ وَ يَقْتَرِحُهُ أَلَا فَسَلِّمُوا اللَّهَ أُمُورَكُمْ تَكُونُوا مِنَ الْفَائِزِينَ» (دیلمی، ۱۴۰۹: ج ۱، ۳۶۵)؛ ای بندگان خدا، شما مانند بیمارانیید و پروردگار عالمین مثل طبیب است، پس صلاح مریض در دست طبیب است که هر چه درباره بیمار پیش‌بینی کند در آنچه که میل مریض نمی‌کشد. آگاه باشید امر خدا را به خدا واگذارید تا بهره‌مند شوید».

طبیب درد مریض را تشخیص می‌دهد و نسخه می‌نویسد. قرآن هم نسخه خدا است؛ ولی ما آنطور که باید، قدر آن را نمی‌دانیم. علتش این است که به راحتی به دست ما رسیده است. نه نوبت گرفته‌ایم، نه حق ویزیت داده‌ایم؛ از این رو اجر و مقام این نسخه را هم نمی‌دانیم. نمی‌دانیم که چقدر برای این نسخه هزینه شده تا به دست ما رسیده است. غافلیم که چقدر خون برای آن داده شده تا این نسخه، سالم به دست من و شما برسد؛ خون پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، امیرمؤمنان علیه‌السلام، حسین بن علی علیه‌السلام و سایر ائمه اطهار علیهم‌السلام و شهدای دیگر. (ناصری، ۱۳۸۸: مجله خُلق مهر و آبان، شماره ۱۳)

قابلیت‌های آیت‌الله ناصری در تربیت اعتقادی جامعه

ذکر خصوصیات بینشی و رفتاری آیت‌الله ناصری موجبات شناخت متریبان را از او به عنوان مربی الگو فراهم می‌آورد و به محبت قلبی به این مربی الگو منجر می‌شود. این محبت باعث تبعیت و الگوگیری و در نتیجه کسب محبت و رضایت خداوند می‌شود که هدف غایی تربیت اعتقادی است. بیان قابلیت‌های آیت‌الله ناصری در تربیت اعتقادی جامعه به الگوپذیری از او کمک می‌کند و بر اساس مبنای «تأثیر ظاهر بر باطن»، هرچقدر متربی رفتار خویش را شبیه الگوی خود کند، در باطن نیز به او نزدیک می‌شود و در مسیر تربیت الهی قرار می‌گیرد. در این بخش با ذکر قابلیت‌های آیت‌الله ناصری، موجبات شناخت و ایمان و الگوپذیری متریبان فراهم می‌شود. قابلیت‌هایی همچون ایمان شدید به خداوند، ثبات قدم، توکل و اعتماد به خدا، اصرار بر اصول توحیدی، صراحت و صداقت آمیخته با صلابت ایمان، خلق حسن، تواضع و فروتنی، ملکات فاضله، رأفت و مهربانی.



دل نرم و بی آرایش آیت‌الله ناصری موجب نفوذ او در نفوس متریبان شده، ایمانی را به متریبان منتقل کرده بود که آن‌ها را علیه کفر و شرک و پستی‌ها و زشتی‌ها شورانده و در راه تحقق تربیت اعتقادی به «اقدام، اشاعه و اقامه» نگرش و رفتار مؤمنانه رسانده بود. این ایمان در نفس و جان مربی، ایمانی قوی را به متریبان انتقال داده بود و در نتیجه متریبانی ثابت قدم و شهادت طلب را تربیت کرده بود که برای «اقدام» به خود سازی و «اشاعه» جامعه سازی قرآنی و پیگیری تمدن قرآنی فعال بودند.

قابلیت‌های آیت‌الله ناصری برای احراز مربیگری تربیت اعتقادی در حوزه فردی شامل «ایمان و تقوای الهی، بندگی و عبودیت، اخلاص، صبوری و خوف و خشیت الهی» و در حوزه اجتماعی، قابلیت‌هایی همچون «صداقت در عمل، حلم و سعه صدر، زهد و ساده زیستی و تواضع و فروتنی» بوده است.

اولین و مهم‌ترین شرط برای احراز مربیگری تربیت اعتقادی متریبان، اعتقاد قلبی و ایمان راسخ مربی به خدا است. قرآن اعتقاد و ایمان راسخ را شرط تربیت و هدایت می‌داند. پایداری بر مواضع اعتقادی و تأکید بر مواضع اعتقادی و مرزبندی تربیتی در برابر جبهه کفر و الحاد، نشانگر اعتقاد و ایمان آیت‌الله ناصری است. بندگی و عبودیت، یعنی برقراری ارتباط مربی با خدا و این مهم در دستان کسی است که در رابطه با مبدأ کمال به کمالی رسیده باشد.

از آیات و روایات استفاده می‌شود که خداوند، هدایت و تربیت متریبان را در نظام هستی به دست مربی می‌سپارد که خضوع و خشوعش به محضر خدا بیشتر و طعم بندگی را بیش از دیگران چشیده باشد. بندگی و عبودیت مهم‌ترین شرط برای احراز مقام تربیت متریبان است.

سیره آیت‌الله ناصری نشان می‌دهد که وی با اقامه نماز، تهجد، تلاوت مدبرانه و قرائت قرآن با خشوع قلب و صفای باطن و ذکر دائمی و تلاش برای معاش حلال که هم‌ردیف جهاد است، صبوری و توأسی به آن، پرداخت زکات، انفاق و ایثار، اعمال خالص، و دعا و استغفار، به تحصیل آمادگی‌های لازم و بیشتر برای مربیگری تربیت اعتقادی جامعه پرداخته است.

آیت‌الله ناصری اصل عبودیت و بندگی را در اخلاص می‌دید و می‌دانست که سایر اعمال، در سایه اخلاص عنوان عبادت یافته، کامل می‌شوند و عروج پیدا می‌کند؛ از این رو با بصیرت و نورانیت دل و با تصفیه عمل از ماسوی‌الله، خالصانه به هدایت و تربیت اعتقادی متریبان می‌پرداخت و همین اخلاص، موجب نفوذ کلام و رفتار و تأثیرگذاری بر متریبان شده بود.



آیت الله ناصری در دعوت مردم به سوی خدا «امانت دار و صادق» بود. در قرآن، صدق در کردار مقامی بالاتر از صدق در گفتار دارد؛ چراکه صادق واقعی، دارای شخصیتی معنوی می باشد که به هر آنچه می گوید، عمل می کند و به آن اعتقاد دارد.

آیت الله ناصری با فروتنی، عفو و گذشت، سعه صدر، عطف و مهربانی، ساده زیستی و زهد، عشق به تربیت و گریز از دنیاپرستی و عمل به گفته ها در امر تبلیغ و تربیت موفق شده بود. او سعی وافر داشت مانند متریبان و بلکه ساده تر از عموم آن ها زندگی کند و دلیل آن این بود که مرتبی با هم رتبه خود بهتر و راحت تر تماس می گیرد و این گونه چنین محبوبیتی را در بین متریبان پیدا کرده بود.

نتیجه

۱. مربی الگو با دعوت متریبان به اصلاح و ارتقاء بینش و نگرش و رفتارهایی اعتقادی با قابلیت تعمیم، زمینه را برای تربیت نسل های پیش رو با توجه به اندیشه ها و آموزه های توحیدی و تربیت بر آن اساس به عنوان برنامه ای مستمر و ماندگار فراهم و محقق می سازد.

۲. مربی الگو با اقامه نماز، قیام فی اللیل و تهجد، تلاوت مدبرانه و قرائت قرآن با خشوع قلب و صفای باطن و ذکر دائمی و تلاش برای معاش حلال، صبوری و توأسی به آن، پرداخت زکات، انفاق و ایثار، اعمال خالص، و دعا و استغفار به خودسازی و تحصیل آمادگی های لازم برای مریبگری تربیت اعتقادی جامعه می پردازد.

۳. مربی الگو با قابلیت هایی همچون ایمان شدید به خداوند، ثبات قدم، توکل و اعتماد به خدا، اصرار بر اصول توحیدی، صراحت و صداقت آمیخته با صلابت ایمان، خلق حسن، تواضع و فروتنی، ملکات فاضله، رأفت و مهربانی، دل نرم و بی آرایش، در نفوس متریبان نفوذ کرده، ایمانی را به متریبان منتقل می کند که آن ها را علیه کفر و شرک و پستی ها و زشتی ها شورانده، در راه تحقق تربیت اعتقادی به «اقدام، اشاعه و اقامه» نگرش و رفتار مؤمنانه می رساند.

۴. مربی الگو با بصیرت و نورانیت دل و با تصفیه عمل از ماسوی الله و با اخلاص، امانت داری و صداقت، تواضع و فروتنی، عفو و گذشت، سعه صدر، عطف و مهربانی، ساده زیستی و زهد، عشق به تربیت و گریز از دنیاپرستی و عمل به گفته ها در امر تبلیغ و تربیت در بین متریبان محبوبیت می یابد و این گونه به هدایت و تربیت متریبان در سطح جامعه می پردازد. و به اعتراف و اذعان اکثر دانشمندان علم تربیت، چنین تربیتی به سرانجام درست و موفقیت می رسد.





۵. با تبیین نگرش و بینش مؤمنانه، رفتار مؤمنانه، منطق، حکمت و موعظه حسنه قرآنی و قابلیت‌های مربیگری مربیان الگو در تربیت اعتقادی جامعه می‌توان ویژگی‌های شخصیتهای مربیان الگو را بر اساس آموزه‌های قرآنی بازخوانی کرد و الگوی قرآنی مربیگری آن‌ها را ارائه نمود.

۶. مربی الگو با سحرخیزی، تهجد، ذکر لسانی و قلبی، دوستی نماز، تلاوت قرآن، انس با مناجات و اشعار معنویت آفرین، یاد خوبان عالم قدس و ارتباط قلبی با حضرات معصومین علیهم‌السلام و عمل خالصانه به فرامین قرآن و عترت روح عبودیت و بندگی را به فرزندان، شاگردان و متریبان خود منتقل می‌کند و اسباب تربیت‌پذیری آن‌ها را برای حضوری شایسته در جامعه منتظر امام مهدی علیه‌السلام فراهم می‌کند.

۷. مربی الگو با تبیین بینش و نگرش مؤمنانه و اقدام به رفتارهای مؤمنانه همچون رفع اختلاف و تحکیم نهاد خانواده، تربیت خانواده‌هایی مصلح باور، منجی باور، موعود باور و مهدی باور و رفع مشکلات جامعه اسلامی در حوزه‌های ساخت و تکمیل مساجد، مراکز آموزشی، فرهنگی، خیریه، درمانی و پزشکی و احسان، انفاق و کمک‌رسانی به محرومین به دیگرسازی، خانواده‌سازی، جامعه‌سازی و تمدن‌سازی می‌پردازد.

منابع

۱. بحرانی، سید هاشم، ۱۴۱۶ق، البرهان، تهران، بنیاد بعثت.
۲. بهجت پور، عبدالکریم، ۱۳۹۵، تفسیرهمگام با وحی، قم، مؤسسه تمهید.
۳. _____، ۱۳۸۷، همگام با وحی، قم، سبط‌النبی.
۴. پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۸۳، نهج الفصاحة، قم، انصاریان.
۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۴۱۰ق، غررالحکم و درر الکلم، قم، دارالکتاب الاسلامی.
۶. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، بیروت، دار التراث العربی.
۷. _____، ۱۳۹۳، الجواهر السنیه، قم، انتشارات قائم آل محمد علیهم‌السلام.
۸. حمیری، عبدالله بن جعفر، ۱۴۱۳ق، قرب الإسناد، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
۹. خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۷۹، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۰. _____، ۱۳۸۵، تبیان، دفتر دوازدهم (سیمای معصومین در اندیشه امام خمینی)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار.

۱۱. دیلمی، حسن بن محمد، ۱۴۰۹ق، ارشاد القلوب، قم، انتشارات رضی.
۱۲. دشتی، محمد، ۱۳۷۹، ترجمه نهج البلاغه، قم، انتشارات مؤسسه امیرالمومنین علیه السلام.
۱۳. زارعان، محمدجواد، ۱۳۷۳، تربیت دینی، قم، مجله معرفت، ش ۳۳.
۱۴. صدوق قمی، محمد بن علی، ۱۳۹۰ق، من لایحضره الفقیه، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۱۵. طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۳۷۴ق، المیزان، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۶. _____، ۱۳۷۹، قرآن در اسلام، قم، جامعه مدرسین.
۱۷. طبری، محمد بن جریر، ۱۴۰۷ق، جامع البیان، بیروت، دارالمعرفه.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، مجمع البیان، تهران، ناصر خسرو.
۱۹. _____، ۱۳۷۹، مشکات الأنوار.
۲۰. طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، مجمع البحرین، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
۲۱. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴ق، التبیان، بیروت، دار الثقافة.
۲۲. _____، ۱۴۱۴ق، اخلاق ناصری، بیروت، دار الثقافة.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، اصول کافی. ترجمه علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۴. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، ۱۴۰۳ق، بحار الأنوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۵. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۷۷، میزان الحکمة، قم، دار الحدیث.
۲۶. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۳، انسان کامل، تهران، صدرا.
۲۷. ناصری، محمد علی، ۱۳۸۸، نشریه خُلُق مهر و آبان، شماره ۱۳، قم.
۲۸. نراقی، محمد مهدی، ۱۳۸۷، جامع السعادات، تهران.
۲۹. نوری طبرسی، حسین بن محمدتقی، ۱۳۶۶، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت الاحیاء التراث.



